



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۰/۰۱

س. ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟

گفتار سی و هشتم

۲۰۱۹/۰۹/۲۹

رسیدیم! به چی؟



انتخابات انجام یافت.

نشرات و نوشته ها و گفته های ما پُر هستند از یک گپ: کی برد؟

یکی ارقام می دهد که: «صیب ما بردیم!!»

دیگری می نویسد که بیادر تو صبر کو، خموشی ترا بسیار می زیبد!

مشغولیت ما «من بردم! تو خو نبردی!!» است؛ و دهن کجی های راست و «چپ!» به «عوامریبی انتخابات» هم بالاسر!

ما با کوشش بی مانند به دوره آشفته پیش از انتخابات عقب می نشینیم! گویی چل سال گذشته ما را در آشفتگی، و آشفتگی را در ما، میخکوب کرده باشد!

ما کمتر متوجه هستیم که انتخابات کنونی همان گام هزار فرسخی بود که ما را از لغزش مدام به عقب، و به پایان، بیرون کشیده است؛ از این وضع نو خود ما نه تنها تعریفی نداریم؛ از این وضع نو خود ما اصلاً آگاه نیستیم!

ما کم تر متوجه هستیم که در طی سی سال گذشته، زمان هیچگاهی چنان متراکم و ملتهب نه شده بود، چنان که در ده ماه گذشته شده بود؛ در یک حیرت دمبدم دریافتیم که سفارش دهندگان دموکراسی، قیچی برداشته اند و با شوق مصروف بریدن بال و دم دموکراسی در افغانستان هستند! چنین بینی بریدگی را نبینی!

سخن چنین بود که انتخابات چیست؟ «سوله» مهم است! و سوله یعنی آمدن دوباره امارت!

همه کوشش ها معطوف شد به این که «توافق» برای آوردن امارت پیش از انتخابات روی میز گذاشته شود؛ بعد حکومت مؤقت عنوان شد؛ بعد با همه ذخایر و امکانات کوشش شد از تدویر انتخابات جلوگیری شود؛ بعد هشدار داده شد که حاشا و مبادا که تقلب نکنید!

خو؟؟ مگر قبلاً تقلب شده بود؟ کی تقلب کرده بود؟؟؟

بالاخره گفته شد که ما می خواهیم ببینیم که هرگاه افغانان را به حال خود شان بمانیم، افغانان چی می کنند؟

افغانان که به حال خود شان گذاشته شوند، چی می کنند؟ همدیگر را می خورند؟
نی صیبیب !!

افغانان که به حال خودشان گذاشته شوند جمهوری را انتخاب می کنند!! و امارت را مسترد می کنند!!
طی یک اقدام مصممانه و قاطعانه، «جمهور» مردم به میدان آمدند و یک برنامه کاملاً حساب شده برای تحمیل
«امارت» بالای افغانان را مسترد کردند!

این انتخابات یک قیام آرام مدنی مردم بود تا به مداخله، وبه افراطی گری نمایشی، که به یخن ما افغانان انداخته
شده است، نی !!! گفته شود!

این انتخابات یک قیام آرام مدنی مردم بود تا به لجام گسیختگی نظام جنگ سالاری، و نظام قاچاق بری، و نظام
دزدی و غارت منابع طبیعی وطن، پایان بخشیده شود!

این انتخابات یک قیام آرام مدنی مردم بود تا حاکمیت قانون برپا شود!
مردم در زیر رگبار تهدید به زندگی شان، به میدان آمدند و «اراده ملی» شان را ظاهر ساختند!
هموطن! روشنفکر هموطن! از این جاست که این انتخابات کدام عوامفریبی نبود!
در این انتخابات دیگر «این بُرد!» و «آن باخت!» مطرح نیست!

در این انتخابات مردم بردند!

دوران تجزیه ساختگی اهالی و نیرو ها به پایان رسید!

دوران نو، دوران جریانات همگانی افغانان، آغاز شد!

•

این «وضعیت نو» خود را چگونه چارچوب بزنیم؟

در این وضعیت نو جوانان و زنان پیشقدم می شوند تا یک «خیل چور» را از میدان سیاسی بیرون بیاورند!
در این وضعیت نو نیروهای امنیتی افغانستان در پیوند با مردم وارد میدان می شوند تا تأسیس، وثبات، جمهوری
را ضمانت کرده باشند!

در این وضعیت نو جمهوری نهادینه می شود؛

جمهوری چندگانگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را ضمانت می کند؛

جمهوری «حضور» مردم، و «حضور» قانون، و «حضور» فرد، در مقام مונاد صاحب حقوق جامعه معاصر
افغان را ضمانت می کند؛ حضور فرد مشارکت و مسؤولیت شهروندی را ضمانت می کند؛

جامعه مدنی افغان تأسیس میشود؛ یک میدان اصولاً نو گشوده می شود تا مناسبات و روابط در میان همه افغانان
بر مبنای شهروندی مستقر شود؛ «شهروند» جدا از نژاد و قوم و طبقه است؛ «شهروند» یک مفهوم مدنی سیاسی
است! مفهوم «هویت» مضمون جدید می یابد؛ هویت بمنزله مستمسک پرخاشگری اجتماعی عقب زده می شود!

جمهوری مبنای استقلال افغانستان را ضمانت و تقویت می کند؛

دولت جمهوری افغانستان بعنوان یک واحد کامل الوداد وارد مناسبات بینالمللی می شود!

•

صلح چگونه می شود!

صلح می آید! اما صلح دیگر بحیث «یک تهدید» نمی آید! صلح بحیث یک آیین رستگاری ملی می آید! صلح دیگر نه یک سلاح ایدیولوژیک است؛ و نه یک وسیله برای انحصار قدرت! صلح نه دولت را معاوضه می کند، و نه دولت را ساقط می سازد! دولت افغان بحیث یک جانب غیرقابل صرفنظر صلح مطرح می شود! صلح به دولتمند شدن، و به قانونمند شدن، همه افغانان می انجامد! صلح روند همگانی شدن میدان سیاسی را توسعه می بخشد و تکمیل می کند! صلح به مثابه یک روند توسعه سیاسی تحقق می یابد!

•

پیروزی مردم افغانستان بسیار دیر آمد! راه مردم ما برای این پیروزی بزرگ، بسیار خونین بود! اما عجب که پیروزی بدون خون فرا رسید! روان همه شهدای راه وطن، در سرتاسر این چل سال نفرین شده، شاد باد!

•

خواننده گرامی! با درک از فوری بودن و بسیار مرموز بودن روند های سیاسی وطن، ثواب دیده شد تا با سری تفسیرهای «به اوضاع وطن چگونه بنگریم؟» گام به گام با حوادث جلو برویم؛ و با تپه تویی چاه هایی را نشان بدهیم که بر سر راه ما کنده بودند! امید این راهپیمایی ما در دل تاریکی، به یک روشنی انجامیده باشد! اینک با همه امیدواری های بزرگ برای وطن و هموطن افغان، سری نوشته های «اوضاع» را به پایان می رسانیم! از همراهی همه خوانندگان عزیز صمیمانه سپاسگزارم! تا قیام بعدی خدا حافظ!

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نوشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتا ۳۸)
Rogh_h_۴۱_ba_aozaaye_watan_tshiguna_bengarem_۳۸.pdf